

انواع هنرها را در معماری سرای سلطان بیگم می‌توان دید



بخشی از تزئینات تالار آینه در سرای سلطان بیگم

حیاط سرای سلطان بیگم و ارسلی آفتابگیرش



شهرداری این خانه بسیار زیبا تبدیل به خانه فرهنگ شده است. از در ورودی ۱۳ پله که پایین بیاپید به کف حیاط می‌رسید و ساختمان‌های آجری را می‌بینید که با درها و پنجره‌های چوبی به صورت U شکل حول این حیاط شکل گرفته‌اند و تالار آینه کم‌نظیر عصاره‌ای از معماری و هنر ایرانی و حوض آبی رنگ وسط حیاط که در تابستان با شمعدانی‌ها، خرماهای زینتی و رقص آب فواره خودنمایی می‌کند اما در زمستان تنها میزبان خرماهاست. چند درخت کاج هم زینت‌بخش این حیاط ساده اما دیدنی است.

چند باغچه شبیه این خانه در این کوچه هست؟ چند خانه بخت این را داشته‌اند تا به جای کلنگ تخریب دست محبت مرمت بر سرشان کشیده شود؟ صاحبان بسیاری از خانه‌های این محله سال‌هاست در مناطق دیگر تهران سکنا گزیده‌اند و خانه‌هایشان را به بازاریان و کسبه اطراف برای انبار کالا اجاره داده یا فروخته‌اند. یکی از جالب‌ترین نکاتی که در خصوص عمارت سلطان بیگم بیان می‌شود، این است که خانواده شهرام ناظری از ۱۸ تا ۲۰ سالگی او، به مدت دو سال در این عمارت مستأجر بوده‌اند.

استاد شهرام ناظری یکی از برترین سازهای خود را هم از صاحب این عمارت یعنی آقای نیرنما دریافت کرده است.

برای دیدن این بنای زیبا کافی است از میدان تویخانه به سمت خیابان امیرکبیر بروید و همپای خیابان ناظم‌الاطباء جنوبی شوید. از کنار مسجد نظام‌الدوله با سردر ورودی مزین به کاشی‌های هفت‌رنگ بگذرید. کوچه دشتی، کوچه کمالی و در نهایت خانه فرهنگ بازار با مدیر اهل فرهنگش و پرسنل مهربانش میزبان شما خواهد بود.

شدن سندی توسط نوه سلطان بیگم در سال ۱۳۹۶ داستان دیگری رقم خورد. ماجرا از اینجا آغاز شد که محمدرضا فهمیزی، مدیر وقت خانه فرهنگ بازار در حال ساخت فیلمی درباره این خانه بود که «همایون شجاعی» نوه سلطان بیگم در حین انبارگردی منزلش، اسنادی را یافت که نشان می‌داد این خانه متعلق به جد پدری اش «محمد رضا شجاع الممالک» همسر سلطان بیگم و تفنگ‌دار باشی سیه شاه آخر قاجار بود.

جالب‌تر آنکه سلطان بیگم خواهر زن احمدشاه، آخرین شاه قاجار بوده است. شجاع الممالک خانه را به همسرش سلطان بیگم هدیه کرده و این بانو هم در بهمن سال ۱۳۱۲ آن را به پسرش تقی شجاعی واگذار کرد. او هم در سال ۱۳۲۶ خانه را به نیرنما می‌فروشد.

اعضای خانواده نیرنما همگی از این خانه خاطرات رنگارنگی دارند حتی زمانی در تالار آینه آن سفره عقد چیده شده است یا سفره‌های پلدا و نوروز. تالار آینه این خانه به‌قدری زیباست که عملاً به هیچ وسیله تزئینی نیاز ندارد. چه خاطرات کودکی با نگاه به این سقف و دیوارها و آینه‌کاری‌ها برای اعضای خانواده نیرنما شکل گرفته است، تالاری که بنا به گفته فرزندان آقای نیرنما، پدر به علت علاقه بسیار زیادی که به این عمارت داشته، درهای هر دو طرف این بخش از ساختمان را قفل کرده و به هیچ کس حق ورود به بخش‌های اصلی همچون تالار آینه را نداده است.

پس از خرید خانه توسط شهرداری و مرمت بنا به کمک میراث فرهنگی و

**چند باغچه شبیه این خانه در این کوچه هست؟ چند خانه بخت این را داشته‌اند تا به جای کلنگ تخریب دست محبت مرمت بر سرشان کشیده شود؟ صاحبان بسیاری از خانه‌ها، خانه‌هایشان را به بازاریان و کسبه اطراف اجاره داده یا فروخته‌اند**